

جایگاه استاد حسین بهزاد مینیاتور در نگارگری ایران

استاد حسین بهزاد مینیاتور نگارگر خلاق و چیره دستی که در طول عمر پر بار خود (از اردیبهشت ۱۲۷۳ تا مهر ۱۳۴۷) با ایجاد تغییرات و نوآوری‌هایی در عرصه نگارگری سبک خاصی را به وجود آورد که نه تنها باعث نجات نگارگری شد که در گرداب تکرار و تقلید گرفتار بود و نهایتاً این هنر را به زوال و نابودی می کشید بلکه دیدگاه و تغییرات ایجاد شده توسط وی باعث تاثیر بر هنرمندان هم زمان وی تا کنون گردید است و این تاثیرگذاری توانست باعث رشد و اعتلای این هنر گردد. به همین دلیل جا دارد در نگاه به نگارگری معاصر ایران، جایگاه خاصی برای استاد حسین بهزاد باز نمود و دلیل ارزشمندی زحمات این هنرمند را در نگارگری ایران بررسی نمود. در همین راستا در این مقاله قصد داریم که به بررسی نوآوری‌ها و سبک استاد حسین بهزاد مینیاتور و نیز تاثیر سبک و شیوه کاری وی بر نگارگران هم عصر خود تا کنون بپردازیم.

نوآوری و سبک استاد حسین بهزاد مینیاتور

در بررسی و توصیف آثار بهزاد از سوی هنرمندان و هنرشناسان به دو کلمه نوآوری و سبک بهزاد بر می خوریم که بهتر است به بررسی مفهوم این دو کلمه و ارتباط آن با آثار بهزاد بپردازیم تا از این طریق به چگونگی حضور این هنرمند در عرصه هنر ایران پی ببریم.

«نوآوری یعنی فاصله گرفتن از عادت... یعنی انحراف پیدا کردن از الگوهای ذهنی موجود» (گنجی: ۱۳۸۱، ۷) بنابر این نوآوری باعث ایجاد یک پدیده نو می شود.

همچنین از نوآوری با نام خلاقیت هم می توان نام برد زیرا خلاقیت توانایی تولید آثار تازه، ارائه رفتار تازه و پیدا کردن راه حل تازه برای یک مسئله است.

« از طرف دیگر باید این مسئله را مدنظر قرار داد که نوآوران همیشه کسانی نیستند که افکار پیچیده دارند. آنها معمولاً به این علت بزرگند که افکارشان از پیچیدگی‌هایی که دیگران در آنها در مانده اند طفره می رود. انسانهای نوآور کسانی هستند که نه تنها ذهن مسئله ساز ندارند بلکه مسائل را بسیار راحت و با روشهای بسیار آسان حل می کنند.» (همان: ۹)

همچنین در توضیح سبک هنری می توان آنرا « ترکیبی از عناصر تکنیکهای مختلف، شیوه ترکیب بندی و بیان و الهام هنرمندانه همراه با منظور خاص ... و یا آن را مجموعه یا مقوله ای از بیانات بصری در نظر بگیریم که کل فرهنگ بدان شکل می دهد.» (داندیس: ۱۳۷۱، ۱۷۷) و همانطوریکه در کتاب فلسفه تاریخ هنر نوشته شده است: «سبک چیزی بیش از نتیجه دستاورد آگاهانه و هدفمند نیست» (هاورز: ۱۳۶۳، ۲۵۵)

حال با توجه به این توضیحات و ویژگیهایی که برای آثار بهزاد برشمردیم به ارتباط این سخنان با ویژگیها آثار بهزاد و نظرات هنرشناسان و هنرمندان در این خصوص می پردازیم.

عده ای از هنرمندان و هنرشناسان، معتقد به ایجاد نوآوری و خلاقیت از سوی بهزاد در نگارگری ایران هستند و تاثیرگذاری وی بر نگارگری را با کارهای کمال الدین بهزاد و رضاعباسی مقایسه می کنند و برخی نیز حتی تاثیر آثار بهزاد را برتر از آن دو اسطوره نگارگری می دانند.

محمد باقر آقامیری نگارگر معاصر دارای نشان درجه یک در نقاشی ایرانی و هنرهای اسلامی و نگارگری که در سال ۲۰۱۱ در زمره نخبگان و اساتید جهانی شناخته شد معتقد است: «کمال الدین بهزاد ساختارشکنی نکرد، یک رفرمی ایجاد کرد در باب تنوع و گستردگی آن یعنی از نظر قدرت طراحی و قدرت رنگ و از نظر قدرت معنا با توانایی های زیادی که نسبت به هم دوره ای هایش داشت، کارهایی کرد ولی چیزی را حذف یا اضافه نکرد. به کار قدرت بیشتری داد چون آدم بسیار توانایی بود و آثارش و رای آثار قبل از خودش است ولی {حسین} بهزاد در کارها یک مقدار دخل و تصرف کرد و یک سری کارها را حذف کرد و به خط شخصیتش بیش از اندازه داد و با ضرب قلمهایش خواست این فضا را ایجاد بکند و بسیار موفق بود.» (بیگمردی: ۱۳۸۹، ۱۱۵)

مجید صادق زاده استاد دانشگاه و نگارگر معاصر معتقد است: «در روند تغییرات و نوآوری در نگارگری معاصر، حسین بهزاد چهره ای با ارزش و خلاق است. بهزاد مرزهای مختلفی در فضای نگارگری را تغییر داد.» (همان)

علی خوشنویس زاده اصفهانی نگارگر و هنرمند در رشته های مختلف مرتبط با کتاب آرایه بهزاد را صاحب سبک می داند و می گوید: «بدلیل اینکه بهزاد صاحب سبک بود، ارزشهای ملی ما را کار کرده است، بیشتر کارهایی که کار کرده است جنبه های ملی این کشور است.» (همان: ۱۰۵)

اردشیر مجرد تاکستانی، نسخه شناس، محقق و نگارگر معاصر معتقد است کارهای بهزاد رنسانسی در نگارگری ایران ایجاد نموده و می گوید: «تکنیک هایی که بهزاد به کار برده، شهادتی که در کارش هست، آزادی رنگ گذاری، بدعت گذاری که کار کرده کاملاً آگاهانه کار کرده است و آگاهانه قدم به جلو رفته و این در کارش

مشخص می شود. باید کارش را دید و منصفانه قضاوت کرد. رنسانس باید یک زمانی اتفاق می افتاد. یعنی اگر قرار بود همه مکتب صفویه یا تیموری کار می کردند حالا چه می شد؟ در زمان بهزاد چه کسی جرات داشت این طور پیرچنگی کار بکند؟ پرکارترین هنرمند است. به خاطر کار زیادی که کرده بود، تکنیکهای مختلفی در کارش پیدا می کند. شما کار هنرمندان معاصر را ببینید همه یک جور کار می کنند.» (همان: ۱۱۵)

نظر مجید مهرگان نگارگر نامدار معاصرو دارنده مدرک دکتری در نگارگری، در خصوص بهزاد و آثارش چنین است: «بهزاد در کار خوش یگانه بود. بهزاد را با کسان دیگر نمی توان مقایسه کرد. خلاقیت بسیار بالای داشته است. تفکر هنری خاصی داشته است. اگر فرصت و وسعت به او داده می شد جزء نوابغ هنری بود. هیچ کم از رضا عباسی ندارد. البته رضا عباسی هم یک انسان یگانه است. به رضا عباسی فرصت داده شد ولی به حسین بهزاد فرصت داده نشد حتی تخریبش هم کردند.» (همان: ۱۱۶)

نصرت کریمی مجسمه ساز، کارگردان، هنرمند پیشکسوت و برادر علی کریمی نگارگر هم عصر بهزاد در خصوص این هنرمند معتقد است: «بهزاد دنباله رو قدیمی ها نبود، آدم متفکر و خلاق بود. درست است که در زمینه قلم گیری تحت تاثیر رضاعباسی بود ولی به لحاظ کیفیت کار برتر از رضا عباسی قرار دارد.» (همان)

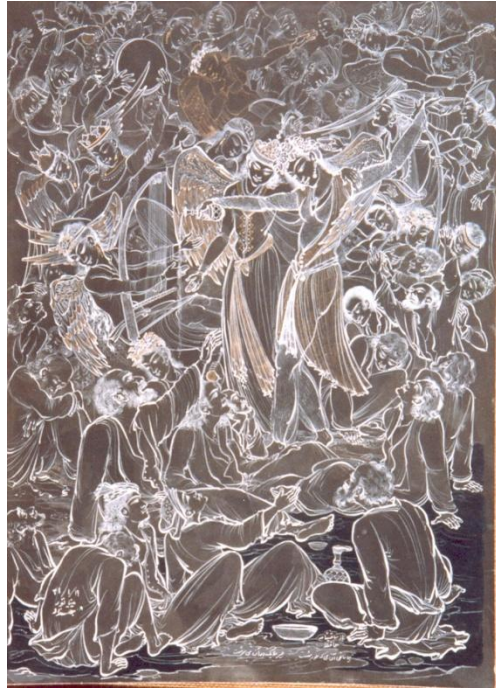
آیدین آغداشلو نقاش، هنرمند و استاد دانشگاه و صاحب نظر در امور هنری در خصوص نوآوری بهزاد نقطه نظر خاص خود را دارد وی می گوید: «نوآوری در زمینه هنرهای سنتی یک تمثیل دارد. به خاطر یک دوران جدیدی که آغاز می شود، به خاطر دنیای جدیدی که با مسائش مطرح می شود، حضور غیرقابل انکاری دارد. آن وقت این ترکه { هنرهای سنتی } و چوب شروع به خم شدن می کند. در دستان آن هنرمندانی که سعی می کنند به آن روح و سنت و هویت وفادار بمانند و هنرمندانی که سعی می کنند آن را به جهان معاصر نزدیک کنند. جاهایی هست که این نهایت حرکت خودش را انجام می دهد و حتی با خواسته های جهان معاصر هم تا حدودی می تواند تطبیق پیدا کند مثل کارهای حسین بهزاد که در جاهایی این { ترکه } را می شکند. این که چه کسی و تا کجا رضایت می دهد و دلش راضی می شود که این ترکه را بشکند یا نشکند مسئله است. اینکه در بعضی از جاها بهزاد فقط از طرح ساده استفاده کرده است، دوباره طراحی را قوت داده است. البته حاج مصور الملکی هم این کار را کرده و طراح بزرگی بود ولی فقط در محدوده خودش می توانست و از یک حد صلاح نمی دید که این ترکه خم شده را بشکند. بهزاد هم این ترکه را نشکست ولی در مجموع میزان و حجم پیشتازی او بیشتر از بقیه بوده است. حسین بهزاد در حقیقت از نوآورترین هم دوره هایش از نظر شناخت عمومی بود..... جسورتر و گستاخ تر است و آفاق پیشتازتری را در می نوردد ولی دیگران موفق نشدند که ترکیب هماهنگ و

معتدلی را بوجود آورند. وجود بهزاد غیرقابل انکار است. تغییرات اساسی داده است. او جرات داشت که خیلی چیزها را تغییر دهد. نگارگری جدید ایران به شدت تحت نفوذ و دین اوست.» (همان: ۱۱۷)

با توجه به مطالب ارائه شده توسط برخی از اساتید صاحب نظر نگارگری و تعریف ارائه داده شده در خصوص نوآوری و خلافت نتیجه می‌گیریم، که استاد حسین بهزاد مینیاتور با نوآوری و تغییرات جسورانه‌ای که در نگارگری زمان خود ایجاد نمود، پایه‌گذار سبکی شد که با توجه به تحولات هنر زمانه خود در دنیا و با در نظر گرفتن اصالت‌های هنر ایرانی و فرهنگ و شرایط جامعه، دگرگونی‌هایی در این هنر ایجاد نمود که عاملی برای بقای این هنر شد و این تفکر جدید، تکنیکها و بیان خاص، پایه‌گذار سبکی خاص در نگارگری معاصر ایران شد که تاثیرگذار بر هنرمندان نگارگری هم زمان خود تا کنون بوده است.

تاثیر سبک و شیوه کاری استاد حسین بهزاد بر نگارگری معاصر

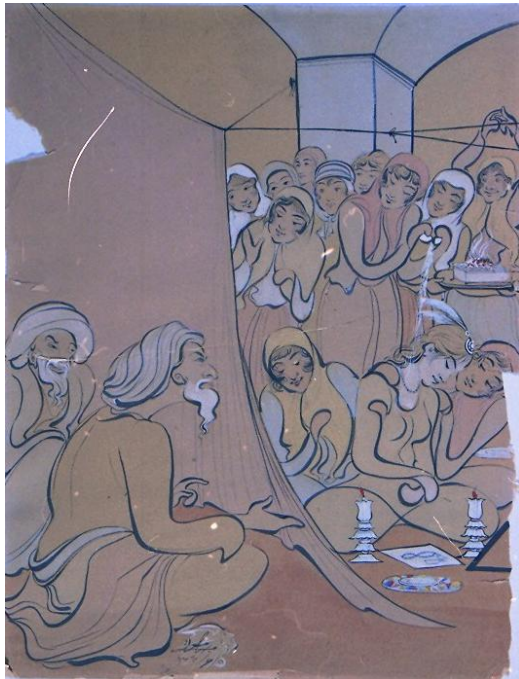
با بررسی آثار استاد حسین بهزاد و نگارگران معاصر به ویژگی‌هایی برمی‌خوریم که خاص آثار بهزاد بوده که در سایر کارها دیده نمی‌شود و همچنین تشابهاتی بین آثار وی و آثار برخی از نگارگران معاصر دیده می‌شود که به این نتیجه می‌رسیم، این وجه اشتراک، برگرفته و یا الهام بخش از کارهای بهزاد بوده است. در این مقاله به منظور درک بهتر این تاثیرپذیری، صرفاً به عنوان نمونه، چند اثر استاد حسین بهزاد را با آثار اساتیدی چون استاد محمود فرشچیان و مجید مهرگان که از اساتید ارزنده نگارگری معاصر ایران هستند، در کنار هم قرار داده و مختصری به بررسی این آثار می‌پردازیم تا نمونه‌هایی از تشابهات و تاثیرپذیری در خط و تفکر نو استاد حسین بهزاد را در نگارگری معاصر شاهد باشیم.



ساقی نامه حافظ اثر حسین بهزاد مینیاتور



اثر محمود فرشچیان



عقدکنان اثر حسین بهزاد



آبدستان اثر مجید مهرگان

در دو تصویر اولیه که مقایسه ای بین آثار استاد فرشچیان و استاد حسین بهزاد است ، شاهد تاثیر پذیری از نوع قلم گیریهای قدرتمند، استفاده از فرشته در قالب یک زن با پیچ و شکنهای مشابه ، قلمگیری حالت دار و بعد دهنده، و مقایسه سایر کارهای دیگر این دو استاد ، شاهد تاثیر پذیری استاد فرشچیان از کارهای استاد بهزاد در استفاده از شخصیت دادن به کوزه ها و دست ساخته های سفالی، استفاده از قلم گیری سفید بر زمینه سیاه، استفاده از شاخ و برگ و گل و رنگهای خاص و گاه غیرمتعارف و هستیم.

در تطبیق کار استاد مجید مهرگان و استاد حسین بهزاد می بینیم که حرکات مدور و استفاده از چند رنگ محدود، استفاده از خطوط ساده که حتی نوعی نگاه گرافیکی به کار دهد، نشان دهنده تاثیر پذیری استاد مهرگان از تفکر و تکنیکهای کاری استاد حسین بهزاد است.

از مقایسه تصاویر فوق ، بطور آشکاری تاثیر سبک و تفکر استاد حسین بهزاد بر آثار دو استاد نگارگر معاصر ایران مشخص است.

با نگاهی دقیق در آثار نگارگری سایر نگارگران معاصر از گذشته نزدیک مانند محمد علی زاویه ، علی مطیع ، علی کریمی و... تا کنون مانند محمود فرشچیان ، محمد باقر آقامیری ، هوشنگ جزی زاده ، مجید مهرگان، اردشیر مجرد تاکستانی و.... ، سر نخهایی از تاثیر پذیری از فکر و روش بهزاد را در قسمتهای مختلف آثارشان (خصوصا در آثار اولیه و گذشته آنها) می بینیم به گفته مجید مهرگان: «نگارگران پس از بهزاد صد درصد تحت تاثیر قرار گرفتند، یکی از آنها خود بنده ، تحت تاثیر کار بهزاد قرار گرفتم و از کارهای بهزاد مشق کرده ام. بهزاد را در اندوخته هنری خود دارم و اگر کسی از آن استفاده نکند دچار مشکل است.» (بیگمرازی: ۱۳۸۹، ۱۲۰)

اصولا در نگاه به تاریخ نقاشی معاصر ایران ملاحظه خواهیم نمود که با ورود نقاشی مدرن اروپایی به ایران به همراه دانشجویان رشته نقاشی که تازه از فرنگ آمده بودند نوعی شرایط دو قطبی در هنرنقاشی ایران ایجاد نموده بود . از طرفی نقاشان نوگرا تفکر و ترسیم جدیدی از نقاشی که مبتنی بر پایه انسان گرایی و عقل گرایی بود را ارائه می دادند از سوی دیگر نقاشان سنتی با فلسفه اشراق و عشق و زیبایی با ترسیم تکراری و تقلید برگرفته از روش گذشتگان خود، نقاشیهایی را از عالم مثال تولید می کردند.

در این دوگانگی هویت در جامعه سنتی ایران با مفاهیم جدید وارداتی ، استاد حسین بهزاد کوشید تا با تلفیقی از این دو نوع تفکر و طرز بیان ، راهی میانه پیدا کند . در واقع او حلقه میانی بین نگارگران سنتی و نقاشان نوگرا بود که ضمن بکارگیری از برخی از تفکرات موجود در نقاشی غیر ایرانی همواره بر حفظ اصول نقاشی سنتی ایرانی نیز تاکید داشت.

بهزاد با وفاداری به نگارگری سنتی دست به تغییراتی زد که هرچند به عقیده بعضی که با کار وی مخالفند در حد یک ایده باقی ماندولی حقیقت امر این است که شیوه کار بهزاد و نوآوریهایش توانست راهگشایی برای نگارگری ایران شود که سالها در دور باطل تکرار و تقلید گرفتار بود و ضمناً این شیوه و نگاه جدید به نگارگری توانست راهی برای نگارگران امروز باز کند که آنان بتوانند از آن عبور کنند .

آثار و شیوه کاری استاد حسین بهزاد خواسته یا ناخواسته بر روی آثار نگارگران معاصر تاثیر گذار بوده که البته بررسی کاملتر این موضوع خود می توان یک پایان نامه تحصیلی باشد. برخی از اساتید نگارگری امروز مانند محمداقراقامیری و مجید مهرگان به این امر اذعان دارند و برخی دیگر نیز منکر این مسئله هستند ولی آثار به جا مانده از آنان گویای این حقیقت است.

به نقل از آقای مجرد تاکستانی: « بهزاد همه کارکرد ، قلمدان کار کرده ، همه کار کرده است. بعد یک بدعتی گذاشته است که همه ما مدیون راه او هستیم . ما دنباله رو راه بهزاد هستیم. او یک جاده ای را به ما نشان داد که مقداریش را او آمده و مابقی اش را ما باید طی کنیم.» (بیگمرازی: ۱۳۸۹، ۱۲۰)

حسین بهزاد اولین نگارگر بود که توانست هنری را که در وطن خود در حال فراموشی بود ، با برپایی نمایشگاه انفرادی از آثارش ، نگارگری ایران را در سطح بین المللی مطرح سازد و باعث افتخار کشورش گردد.

از سوی دیگر وی با ارائه آثارش در قطع نمایشگاهی ، نگارگری را از میان ورقه های مهجور کتاب بیرون آورد و این هنر را جهت عرضه بر روی دیوار مطرح نمود.

آندسته از آثار این نقاش چیره دست با موضوع های نفت، فقر و سوژه های اعتراضی به شرایط اجتماعی و استفاده از رنگهای تخت و خط های سریع و پر قدرت بکار رفته در اینگونه آثار، بعدها در رشته گرافیک مورد توجه قرار گرفت که ما شاهد تاثیر گذاری تفکر و شیوه ی کاری وی بر هنر گرافیک ایران نیز بوده ایم.

بدین سان است که با بررسی تفکر و آثار برجای مانده از این نابغه هنر ایرانی، جایگاه ارزشمند و ویژه استاد حسین بهزاد مینیاتور در نگارگری معاصر ایران مشخص می شود. امید به این که راه روشن شده توسط اساتیدی از این دست، بوسیله آیندگان پیگیری شده و اعتلا یابد.

سیده طاهره شیربچه

منابع:

بیگمردی. نرگس ، حسین بهزاد گمنام پرآوازه ، پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد، تیر ۱۳۸۹

داندیس. ا ، سپهر. مسعود. مبانی سواد بصری ، چاپ دوم ، سروش ، تهران ، ۱۳۷۱

گنجی. حمزه ، نوآوری چیست؟ ، فصل نامه نوآوری آموزشی ، سال اول، شماره ۱ ، پاییز ۱۳۸۱

هاورز. آرنولد ، فرامرزی. محمدنقی ، فلسفه تاریخ هنر ، نگاه ، تهران ، اردیبهشت ۱۳۶۳